

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چالش‌های پیش روی عربستان سعودی



گزیده پژوهش‌های جهان: چالش‌های پیش روی عربستان سعودی

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

تلخیص: دلیله رحیمی آشتیانی

تاریخ انتشار: ۹۶/۵/۷

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۵۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



خلاصه اجرایی

نوشتار حاضر، گزارشی است از مجموعه عواملی که به‌عنوان چالش، پیش‌روی آل‌سعود قرار دارد و ثبات داخلی این رژیم را تهدید می‌کند. نویسنده درصدد است تا نوع پاسخگویی رژیم آل‌سعود به این تهدیدات را مورد بررسی قرار دهد و نتیجه این پاسخ‌های احتمالی را به‌طور خاص بر منطقه غرب آسیا و به‌طور اخص برای رژیم صهیونیستی و در صورت تضعیف یا اضمحلال قدرت این خاندان، واکاوی کند. عمده‌ترین مشکلاتی که گوزانسکی^۱، نویسنده، پیش‌روی خاندان سعودی می‌بیند، به چهار دسته عمده تقسیم می‌شوند:

۱. اتکا و وابستگی بیش از حد به نفت: او مهم‌ترین خطر پیش‌روی عربستان را اتکا و وابستگی بیش از حد به نفت می‌داند، از نگاه نویسنده عربستان پس از درک خطر وابستگی بیش از حد به نفت، سند ۲۰۳۰ را توسط شورای امور اقتصادی و توسعه که ریاست آن را محمد بن سلمان، بر عهده دارد و بر مبنای رهنمودهای شیخ سلمان نگاشته شده، تهیه کرده‌است. در مجموع، نویسنده این چشم‌انداز را جاه‌طلبانه توصیف می‌کند که عربستان برای دستیابی به آن راه درازی در پیش دارد.

۲. کشمکش‌های درون خاندان بر سر قدرت: در باور نگارنده، مشکل اصلی این کشور اختلاف با ایران نیست بلکه کشمکش‌های داخلی است که عربستان از طریق مهم جلوه دادن خطر ایران، در تلاش برای سرپوش گذاشتن بر آن است.

۳. تروریسم داخلی: نویسنده معتقد است تمایل برای رویارویی با شیعیان، در عربستان تاحدی است که می‌تواند منجر به گرایش در گروه‌های افراط‌گرا شود و این مسئله به‌عنوان بحرانی برای آل‌سعود تلقی شود. عربستان سعودی همواره از ایران به‌عنوان «ستون پنجم» یاد می‌کند، این تعبیر منجر به افزایش انگیزه مبارزه با شیعیان و در نتیجه رشد گرایش

1. Yoel Guzzansky



به گروه‌های افراط‌گرا می‌شود.

۴. چالش‌های فرامرزی و خارجی عربستان: وضعیتی که در حال حاضر عربستان در یمن پیدا کرده و از نظر نویسنده ائتلاف منطقه‌ای که به رهبری این کشور تشکیل شده است کارآمدی لازم را ندارد. از سوی دیگر، نگارنده برجام را مسئله‌ای می‌داند که موجب نگرانی عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس است. در باور گوزانسکی عربستان همچنان از رویارویی مستقیم با ایران هراس دارد و در تلاش است تا این مقابله را به صورت نیابتی حفظ کند، وی معتقد است عربستان راه سختی را در یمن پیش‌رو دارد و در صورت پایان جنگ یمن نیز عربستان نمی‌تواند یکپارچگی آن را حفظ کند.

با وجود مسائل و مشکلات پیش‌روی عربستان، نوشتار حاضر رصد تحولات این کشور را خاصه برای رژیم صهیونیستی بسیار مهم می‌داند؛ زیرا در نظر نگارنده این رژیم در آینده خواهد توانست با عربستان بر سر راه حل دو دولت فلسطین - رژیم صهیونیستی به توافق برسد.



چالش‌های پیش‌روی عربستان سعودی^۱

مقدمه

عربستان در یکی از حساس‌ترین وضعیت‌های تاریخی خود قرار دارد. کاهش قیمت نفت که از سال ۲۰۱۴ آغاز شده است، به‌علاوه تغییرات مهم در رهبری این خاندان که از سال ۲۰۱۵ و همزمان با درگذشت ملک عبدالله و روی کار آمدن شیخ سلمان، صورت گرفت، مجموعه‌ای از چالش‌ها را پیش‌روی خاندان سعودی قرار داده‌است؛ به این موارد باید رویارویی و تلاش برای سرنگونی داعش، کشمکش با ایران در چند موضوع مختلف، ازجمله کم‌رنگ شدن روابط با آمریکا را نیز افزود. این عوامل از علل پیش‌بینی بدبینانه نسبت به آینده این خاندان است.

اگر بپذیریم که عربستان ابزارهای کافی و مناسب را برای رویارویی با مسائل و مشکلات ذکر شده دارد، خدشه‌دار شدن ثبات داخلی این کشور یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی این کشور است که ارزیابی چگونگی پاسخ دادن این خاندان به آن نشان‌دهنده میزان کارآمدی فعلی این رژیم (خاندان) است. نویسنده در طی گزارش خود به چند مشکل و چالش اساسی فعلی عربستان اشاره می‌کند و سپس با برشمردن این چالش‌ها به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

مهم‌ترین مشکلاتی که گوزانسکی پیش‌روی عربستان می‌بیند به شرح زیر است:

۱. **وابستگی به نفت:** از نگاه گوزانسکی، خطرناک‌ترین تهدید برای ثبات عربستان، اتکا این کشور به نفت است؛ کاهش طولانی‌مدت قیمت نفت ثبات آتی این کشور را تهدید

۱. این متن ترجمه و تلخیصی است از

Challenges Confronting Saudi Arabia, Yoel Guzansky, INSS (Strategic survey for Israel), January 2017.



می‌کند. درآمد حاصل از صادرات نفت بخش جایگزین‌ناپذیر درآمد و بودجه این کشور است که در سال‌های گذشته افزایش بی‌سابقه قیمت آن باعث انباشت مقادیر زیاد ارز خارجی در خزانه عربستان شد. این امر سبب شد تا عربستان با آغاز ناآرامی‌های منطقه، حجم زیادی نقدینگی به حساب شهروندان خود واریز کند.

اکنون خزانه عربستان در حال کاهش و خالی شدن است و پیش‌بینی می‌شود از ۷۲۴ میلیارد دلار در پایان سال ۲۰۱۴، به ۵۷۶ میلیارد دلار در آوریل ۲۰۱۶ کاهش یافته باشد. نویسنده یادآور می‌شود درست است که این میزان از ارز خارجی هنوز هم بسیار زیاد است؛ اما سرعت خالی شدن خزانه و تداوم کاهش قیمت نفت سبب نوعی عدم اطمینان نسبت به این منابع می‌شود؛ زیرا بزرگ‌ترین شکست (برای دولت‌ها) شکست‌های مالی ناشی از حراج دارایی‌ها و یا بدهی و وام است. صندوق بین‌المللی پول نیز در اکتبر ۲۰۱۵ در مورد قیمت نفت و تخلیه منابع ارزی عربستان تا سال ۲۰۲۰ در صورت استفاده از آن با سرعت فعلی گزارش داد.

نویسنده در بخش دیگری از مقاله به چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان اشاره می‌کند. گوزانسکی چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان را برنامه‌ای جاه‌طلبانه می‌داند. هدف اصلی برنامه ۲۰۳۰ عربستان، خروج این کشور از شکست مالی فعلی است که این کشور با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. جلوگیری از تکرار تجربه مجدد این گونه شکست‌های مالی حتی در وضعیتی که قیمت نفت به پایین‌ترین حد خود در آینده برسد، یکی دیگر از اهداف این چشم‌انداز خواهد بود.

از دیگر اهداف این برنامه افزایش میزان تولید و نرخ اشتغال و تلاش برای افزایش میزان رشد و توسعه و کاهش بیکاری است. مقامات سعودی میزان نرخ رشد بیکاری را دوازده درصد اعلام کرده‌اند، این در حالی است که میزان واقعی نرخ بیکاری در این کشور خصوصاً در میان جوانان بسیار بالاتر است. مهم‌ترین هدف این برنامه، نجات عربستان از وابستگی به نفت و حفظ ذخایر نفت و گاز برای بلندمدت است.

از نگاه نویسنده چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان و تلاش برای قطع وابستگی به درآمدهای

۱. چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان توسط بنگاه مشاوران خارجی، معاون ولیعهد و وزیر دفاع عربستان و رئیس شورای اقتصاد و توسعه این کشور (محمد بن سلمان) تهیه و برنامه‌ریزی شد. وی برنامه‌ای موقتی را با هدف ایجاد بودجه‌ای با رشد زیاد از راه درآمدهای خارج از فروش نفت مثل کاهش هزینه‌ها و افزایش مالیات را تدارک دید.



نفتی و دستیابی به رشد و توسعه می‌تواند راه نجاتی برای عربستان به‌منظور خلاصی از بازار نفت و نامطمئنی‌های آن باشد. بر روی کاغذ، این خاندان برنامه‌های بلندمدتی برای نجات از مشکلات اقتصادی عربستان دارد؛ اما مشکل فعلی اقتصاد عربستان نجات از دست محافظه‌کاران این کشور و باز کردن اقتصاد این کشور است؛ زیرا عربستان برای دستیابی به اهداف این سند، باید اقتصاد خود را نوسازی کند.

مردم عربستان ذهنیتی دارند که براساس آن حق به خدمت (دریافت خدمات رایگان و یا کم‌هزینه) و یا درآمد آسان را حق مسلم خود می‌دانند. برای موفقیت عربستان در این خصوص این کشور نیازمند تغییر در ذهنیت افراد جامعه است.

۲. رقابت‌های درونی خاندان سلطنتی: یکی دیگر از مهم‌ترین مشکلاتی که حکومت عربستان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، رقابت‌های درونی این خاندان است. نویسنده بر این باور است برخلاف آنچه رسانه‌ها، روابط خارجی این خاندان و یا مشکلاتی را که با ایران دارد مهم جلوه می‌دهند، آنچه در درون این خاندان رخ می‌دهد تهدیدکننده بقای آن است ازجمله نزاع بر سر قدرت در خاندان سلطنتی که نویسنده از آن به‌عنوان تهدید به مراتب جدی‌تری برای ثبات عربستان یاد می‌کند.

نویسنده متذکر می‌شود که از سال ۲۰۱۵، نوادگان بنیانگذار آل‌سعود، زمام دولت را بر عهده گرفتند و همان‌طور که انتظار می‌رفت این اقدام در ادامه کشاکش قدرت در خاندان سعود رخ داده است. عمده این کشمکش‌ها بر سر قدرت نیز به‌دلیل افزایش قدرت روبه رشد محمد بن سلمان صورت گرفته است. وی به سمت‌هایی که محمد بن سلمان از زمان روی کار آمدن شیخ سلمان بدان‌ها دست یافته اشاره می‌کند، ازجمله: ریاست شورای مسائل اقتصادی و توسعه عربستان در سال ۲۰۱۵، توسط پدرش، درحالی که هم‌زمان عوامل و همکاران ملک عبدالله از قدرت کنار زده می‌شدند.

با توجه به اینکه محمد بن نایف از بیماری رنج می‌برد، به نظر می‌رسد نزاع بر سر قدرت در خاندان سعودی به سود محمد بن سلمان، تمام شود و او جانشین پدر شود.

۳. تروریسم داخلی: از نظر نویسنده سومین و یکی دیگر از مشکلات مهمی که رژیم آل‌سعود با آن روبه‌روست، تروریسم خانگی و داخلی است. این مسئله مشروعیت دینی و سیاسی خاندان سعودی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به باور نویسنده عربستان در طول دهه گذشته در مقابله با القاعده موفق بوده است؛ اما از



سال ۲۰۱۴ با بحران تازه‌ای به نام داعش روبه‌رو شد. وی معتقد است که داعش در صدد است تا با قرائت نوع جدیدی از اسلام سنی، در برابر اسلام سعودی (وهابیت)، مقابله و ایستادگی کند. ابوبکر البغدادی همچون بن‌لادن معتقد است که باید قلمرو خاندان سعودی را آزاد نمود و برای اسلام محل مناسبی کند، بدین ترتیب از کنترل خاندان سعودی خارج کرد.

گوزانسی بر این اعتقاد است به عضویت درآمدن در گروه داعش مسئله‌ای است که در داخل عربستان هواداران زیادی دارد؛ زیرا می‌تواند جمعیتی را که تمایل به رویارویی مستقیم با شیعیان دارند، جذب خود کند. وی می‌نویسد این نکته را در نظر داشته باشید که شیعیان در حکومت آل سعود به‌عنوان «ستون پنجم ایران» خوانده می‌شوند که ثبات این خاندان را دائما با مشکل روبه‌رو ساخته و به چالش می‌کشند. این امر سبب گرایش افرادی از درون خاندان سعودی به این نوع از جهادگرایی سنی می‌شود. نگارنده این‌گونه نتیجه می‌گیرد که افزایش تروریسم داخلی در عربستان می‌تواند موجب بی‌ثباتی در منطقه خلیج فارس شود.

۴. چالش‌های خارجی: چهارمین مشکل مقطعی که چندان حیاتی نیست و عربستان با آن روبه‌روست، مسئله یمن است. به‌رغم دستاوردهای اولیه ائتلاف منطقه به رهبری عربستان سعودی، این ائتلاف از هدف اصلی خود که شامل: خلع سلاح حوثی‌ها و شیعیان یمنی است، دور افتاده. نویسنده بر این اعتقاد است که حتی اگر طرف‌های درگیر در یمن بتوانند به توافق برسند، این کشور از ثبات بسیار دور خواهد بود. پس از هفت سال جنگ داخلی که کشور را چند پاره کرده، تصور شکل‌گیری نیروی سیاسی یا نظامی که حاکمیت را به‌طور کامل به این کشور چند پاره بازگرداند دور از ذهن است. ضمن اینکه انتظار می‌رود یمن همچنان تهدید مهمی در جنوب عربستان سعودی تلقی شود. به همین خاطر عربستان سعودی تمایل دارد تا نقش کلیدی در یمن ایفا کند.

نویسنده یادآور می‌شود جدای از مسئله یمن، عربستان مشکلات خارجی دیگری هم دارد و بزرگ‌ترین آن، توافق قدرت‌های بزرگ با ایران است. از نگاه نویسنده این توافق موجب ترس ریاض و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس شده؛ زیرا آنها معتقدند با این توافق ایران قدرتمند شده و می‌تواند از نگاه آنها فعالیت‌های شورش‌گرانه خود را در منطقه بیشتر کند. عربستان بیم آن دارد که سیاست‌های منطقه‌ای ایران با این توافق تهاجمی شود. این کشور از اینکه رویارویی احتمالی بین ایران و عربستان «مستقیم» شود هراس دارد. در هر صورت تا زمانی که قواعد فعلی بر بازی حاکم است، عربستان تمایل دارد تا به‌صورت



نیابتی با ایران تقابل داشته باشد و سنی‌های خارج از عربستان را از خطر ایران آگاه سازد. گوزانسی می‌نویسد که با وجود همه این مشکلات، عربستان، نشانه‌های آمریکا را مبنی بر کاهش تعهدات در منطقه می‌بیند. عربستان سال‌ها است که به آمریکا به‌عنوان حافظ رژیم سعودی و تثبیت‌کننده این خاندان سلطنتی - با وجود برخی تفاوت‌ها در منافع و اهداف - نگاه می‌کند. اگرچه در طول دهه اخیر و دوران ریاست جمهوری اوباما این اعتقاد تضعیف شد؛ اما برای آمریکا و منافع آن همچنان مهم است که ثبات خاندان سعودی حفظ شود. نویسنده بر این باور است که اگر آمریکا همچنان به سیاست کم‌توجهی به غرب آسیا ادامه دهد کار عربستان مشکل خواهد بود، در این صورت این کشور باید سیاست تقریباً متقابلی را پیش گیرد و درعین حال روابط خود با روسیه و چین را بهبود بخشد.

جمع‌بندی نتیجه‌گیری

نویسنده بر این باور است که عربستان همواره نشان داده که قادر است در حوزه داخلی، مسائل و مشکلات موجود را با اجماع درونی، آرام و ساکت کند و در حیطه مسائل خارجی نیز به‌واسطه ذخایر نفتی حمایت بخرد؛ اما در وضعیت کنونی و با وجود اختلافات داخلی دستیابی به اجماع امری سخت است. این اختلافات احتمالاً به‌خاطر وجود محمد بن سلمان، ادامه‌دار خواهد بود. علاوه‌براین خاندان سعودی دیگر نمی‌تواند خود را از جنگ‌های اطراف دور نگه دارد، همانطور که پیشتر چنین می‌کرد. این کشور در جنگ‌های منطقه درگیر است و این درگیری‌ها بر صحنه داخلی این کشور تأثیر خواهد گذاشت.

برنامه ۲۰۳۰ نیز موجب تنش‌های بیشتر در عربستان می‌شود؛ زیرا رقیبان داخلی محمد بن سلمان، از قدرت روزافزون او ناراضی هستند. خاصه اینکه قشر محافظه‌کار این کشور اساساً با ایجاد تغییر آن هم به روش محمد بن سلمان ناخشنودند. نویسنده با برشمردن چالش‌های پیش‌روی این خاندان، رصد چالش‌ها را برای رژیم صهیونیستی مهم و حیاتی ارزیابی می‌کند؛ زیرا به این ترتیب احتمال همکاری میان عربستان و رژیم صهیونیستی برآورده خواهد شد. علاوه‌براین، انتظار می‌رود طرح دو دولت فلسطینی - رژیم صهیونیستی مورد نظر رژیم صهیونیستی، با موافقت این خاندان روبه‌رو شود.